

اعتبار علمی جهانی دانش
و شناختگی او در مجامع
مربوط به مطالعات ایرانی
و اسلامی و عربی
مخصوصاً به سه کار بزرگ
اوست: کتابشناسی،
فهرست‌نگاری،
تصحیح و پژوهش



○ حسین فعال عراقی نژاد

عنایت فرزندگان و دانشمندان ایران و بلکه سایر کشورهای اسلامی است و چراغ راهی فراروی محققان و اندیشمندان در کارهای علمی و فرهنگی، پژوهنده پرتلاشی که زندگی خود را وقف و صرف نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری و تألیف و تصحیح و ترجمه و تا آخرین لحظات حیات در این راه از پا ننشست؛ تا جایی که محققان خارجی لقب «پیر جوانمرد» را به او داده‌اند.

درخت عمر استاد دانش پژوه در آخرین ماه پاییز ۱۳۷۵ به خزان نشست. اما حضور همیشگی آثار و میراث فرهنگی سترگش نام او را بر کتابهای درخشانی حک کرده است. فلذا هرگز نمیرد آن که دلش زنده بود به عشق و فضیلت وجودش پیوسته بود به فرهنگ و اخلاق دانشورانه.

از آنجا که زنده داشت نام فرزندگان و فرهیختگان، تکریم علم و فضیلت است، بر آن شدیم تا ویژه‌نامه‌ای از آن او منتشر کنیم و نگاهی به زندگی، آثار و فعالیت‌های علمی‌اش بیفکنیم.

وی به سال ۱۲۹۰ هـ. ش در آمل متولد شد. پدرش حاج میرزا احمد درکابی لاریجانی بود که از مجتهدان و فقهای بنام آمل و لاریجان بوده است. پس از سپری کردن دوران کودکی، تحصیل را آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از

پویایی فرهنگ، مدیون تلاش مستمر محققان و اندیشمندان در کشف و نشر موارث فرهنگی است. حیات یک جامعه به شریانهای فرهنگی وابسته است و قطع آنها از خاموشی و خمودگی آن جامعه خبر می‌دهد. از جمله این شریانها، فرهنگ پر بار و غنی است که در متون گذشته ما تبلور یافته است و باید آن را ارج نهاد و برای حفظ و پاسداری آن از هیچ کوششی فرو گذار نبود. اکنون یکی از مبرمترین و ضروری‌ترین وظایف جامعه ما، کار پر ارج، دقیق، حساس و ظریف تصحیح و تحشیه و تنقیح این متون است که پلی ارتباطی است با گذشته پرافتخار و اگر این مهم به درستی و دقت صورت نگیرد، ارتباط نسل جوان، پرشور و ادب دوست معاصر با پیشینه فرهنگی خود قطع می‌شود و ضربه‌های سنگینی بر پیکره جامعه نوین وارد خواهد آمد.

خوشبختانه در دوره معاصر بوده‌اند و هستند فرهیختگانی که با دریادلی و فراخ حوصله‌ای در این وادی گام برداشته‌اند و از آن جمله است زنده یاد محمدتقی دانش پژوه که از چهره‌های تابناک عرصه تحقیق و پژوهش بود و از عنفوان جوانی دل در گرو عشق به کتاب و کتابشناسی نهاد و عاشقانه عمر گرانبهای خویش را در خدمت به کتاب و جامعه کتابخوان سپری کرد. دانش مردی که خدمات ارزشمند وی مورد

زندگینامه مرحوم استاد

محمدتقی دانش پژوه

محمدتقی دانش پژوه
چهره تابناک عرصه
تحقیق و پژوهش کتاب



* نشسته از راست: محمد حسین ضیائی بیگدلی، محمد تقی دانش پژوه، محمد شریعت زاده (مدیر مجله جلوه)، اسماعیل مرتضوی براز جانی، محمد جواد مشکور
ایستاده از راست: غلامرضا سمیعی، محمدزنده نام، ضیاء الدین کیانی نژاد، محمد علی مجتهدزاده، مرتضی مدرس چهاردهی

خواندن عم جزء قرآن کریم و دیوان حافظ و نصاب الصبیان فرا گرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن سامان بهره فراوان برد. در هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. دو سالی در آنجا بود و از محضر استادان بزرگواری چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس «القوانین المحکمه» میرزای قمی و حضرت آخوند ملاعلی همدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس «الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه شهیدین» استفاده کرد. استاد درباره حظ و افرش از محضر درس آیت الله العظمی نجفی (ره) می گوید: «هنوز لذات نوادر ادبی که از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام ذهنم هست» (دانشگاه انقلاب، ویژه کتاب و کتابخوانی، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۱)

بعد از دو سال، به سبب گرفتاریهای زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت و در آنجا نزد مرحوم ابوالقاسم فرسیوی و مرحوم آقامحمد غروی دینه ای مکاسب و رسایل شیخ مرتضی انصاری (ره) را فرا گرفت و بسیار از درس آن دو عالم کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران

کار دیگر آن استاد فرزانه، تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است که به چاپ برسد و طبق «بصیرت و اشرف او در شناخت نسخه هاست که با پشتوانه جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون با ارزش فراموشی شده در دسترس پژوهشگران قرار گیرد

شد. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضر مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد و سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری (ره) و دانشسرای عالی طی کرد تا اینکه در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس نایل آمد. ورودش به دانشگاه در سال ۱۳۱۹ سرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش نیز بود.

در همان سال در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد و این شروعی بود برای کتاب پژوهی. در سال ۱۳۳۱ معاونت کتابخانه دانشکده حقوق و بعد ریاست کتابخانه کتب خطی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به وی سپرده شد. در کنار این فعالیتها از سال ۱۳۳۴

دانشکده الهیات و معارف اسلامی همان دانشگاه به تدریس منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره های لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکتری نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد. استاد در برخی از کنگره ها و مجامع علمی مسئولیت داشته اند؛ از جمله در سال ۱۳۳۵، عضویت در کنگره خواجه نصیر طوسی در دانشگاه تهران؛ در ۱۳۳۸ عضویت انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی؛ در ۱۳۴۱ شرکت در کمیسیون کتابشناسی شورای موسسه تحقیق در ادبیات و زبانهای ایرانی در ۱۳۴۴ نیز طبق تصویب هیأت رئیسه مجلس شورای ملی جزو کتابخانه مجلس شورای ملی جزو تدوین کنندگان فهرست آن کتابخانه بودند و شش مجلد از فهرستهای آنجا به همکاری ایشان نشر شده است. انجمن فلسفه و علوم انسانی نیز ایشان را برای تدوین فهرست مخطوطات کتابخانه سپهسالار دعوت کرد و چند مجلد اخیر فهرست آنجا با همکاری ایشان منتشر گردید. استاد دانش پژوه در برخی از بزرگداشت های شخصیت های علمی و فرهنگی شرکت داشته و مقالاتی ارائه داده اند.

«اعتبار علمی جهانی دانش و شناختگی او در مجامع مربوط به مطالعات ایرانی و اسلامی و



او به منظور کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد، نجف، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان و کشورهای شوروی سابق، امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی سفر کرد

کتابشناسی در آن به هم آمیخته است. وی در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده به تفصیل به موضوع پرداخته است. یکی از خدمات علمی و فرهنگی وی در عرصه فهرست‌نگاری همکاری در طرح فهرست‌نویسی نسخه‌های کتابخانه‌های شهرستانهاست که سه جلد از آن مربوط به فهرست کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بوده و در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است. دیگر، مشارکت در جلسات تقویم نسخه‌های خطی از جمله برای کتابخانه‌های مجلسهای شورا و سنای قدیم و دانشگاه‌های تهران، همدان، مشهد و چند جای دیگر است.

استاد فهرست‌های کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران و تعدادی از دانشکده‌های آن و مدرسه سپهسالار را که البته قسمتی با همکاری علی نقی منزوی صورت گرفته در مدت ده سال به انجام رسانید و پس از آن مدت شش سال در فهرست‌نویسی کتابخانه‌های ملک و مجلس و کتابخانه‌های خصوصی وقت صرف کرد. با همین پشتکار و دلبستگی بود که سی، چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کرد و فهرست‌های آنها را به چاپ رسانید.

از دیگر فعالیت‌های او در این زمینه، تدوین نشریه نسخه‌های خطی در سال ۱۳۳۶ است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. دوازده شماره از آن نشریه به چاپ رسید و وی در آنجا مطالب زیادی نوشت که عمدتاً در معرفی

فهرست‌های مشترک مقامی والا و اساسی یافته است، محققان اسلامی باید فهرست‌های جامعی در اختیار داشته باشند و من برای برآوردن این نیاز تلاش کرده‌ام که فهرست‌های جامعی از نسخه‌های خطی اعم از فارسی، عربی، ترکی و گاهی اردو و کردی فراهم آورم».

دانشگاه انقلاب، ویژه‌نامه کتاب و کتابخوانی، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۱) در زمینه فهرست‌نگاری کار استاد فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه‌ها بپردازد، بلکه سعی کرده است با توجه همه‌جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهد اصل نسخه‌ها، قواعد و فنون فهرست‌نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب عرضه کند. او با توجه به مبانی فهرست‌نویسی از میان چهل، پنجاه هزار نسخه متفاوت، دقایقی را به دست آورد که برخی از آنها پیش از این به نظر فهرست‌نگاران نیامده بود.

قصد نهایی و اصلی او از نسخه‌شناسی رسیدن به مرحله کتابشناسی و بالمآل متن‌شناسی بود. نمونه کوشش‌هایی که در این زمینه‌ها کرده، کتابشناسی کتابهای موسیقی، فهرستواره فقه، فهرست‌های خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشآت (دبیری).

پیمان‌نامه‌ها، گنجوری و کتاب آرای است. در این گونه کتابشناسی‌ها اغلب نظر ارزشیابی نیز مندرج است و شمار نسخه‌ها و مأخذ اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مولف آمده و در حقیقت فهرستی است که سرگذشتنامه و

عربی مخصوصاً به سه کار بزرگ اوست: کتابشناسی، فهرست‌نگاری، تصحیح و پژوهش» (ایرج افشار، دانش‌پژوه، دانشمند و فهرست‌نگاری جهانی، افشار، کلک، شماره ۵۲ - ۵۱، ص ۱۵۹).

۱. کتاب‌شناسی

مرحوم دانش‌پژوه درباره ارزش و اهمیت کتاب و کتابشناسی می‌گوید:

«من دیدم علمای اروپا یا آمریکا یا دیار غرب و حتی خودمان (دانشمندان ایرانی) اول کتاب را شناخته‌ایم و بعد تألیف کرده‌ایم و هر محققى هم امروز اگر بخواهد کار بکند باید اول کتاب را بشناسد (دانشگاه انقلاب، ص ۷۷)

او به منظور کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد، نجف، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان و کشورهای شوروی سابق، امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی سفر کرد.

از یادداشتهایی که در این سفرها برداشت، آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شد و آنچه درباره نسخه‌های خطی کشورهای شوروی سابق و اروپا و آمریکا بود، در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی به چاپ رسید.

۲. فهرست‌نگاری

وی درباره این کار سترگ و ماندگارش می‌گوید: «در دنیای کنونی که کتابشناسی و

«او یک تنه کمأ و کیفأ کاری بیش از توانایی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروز نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها و دستمایه پژوهشگران است»



نسخه‌هایی است که اینجا و آنجا دیده بود، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اقمار آن و آمریکا و ممالک اروپایی.

«او یک تنه کمأ و کیفأ کاری بیش از توانایی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروز نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها و دستمایه پژوهشگران است.»

(ایرج افشار، دانش پژوه، دانشمند و فهرست‌نگاری جهانی، کلک، شماره ۵۲، ۵۱، ص ۱۵۹).

۳. تصحیح متون و پژوهش

کار دیگر آن استاد فرزانه، تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است که به چاپ برسد و طبق «بصیرت و اشرف او در شناخت نسخه‌هاست که با پشتوانه جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون با ارزش فراموش شده در دسترس پژوهشگران قرار گیرد خود در این باره می‌گوید: «کوشش من همواره بر آن بوده است که نایابها، ناشناخته‌ها گمشده‌ها و سرانجام مؤثرها را چاپ کنم. من توفیق یافتم که متونی را که حاوی آراء و عقاید فیلسوفان، متکلمان، اقوال و مقامات صوفیان و عارفان، مسائل و آثار ریاضیدانان و منطقیان، منشآت و مکاتبات مترسلان و دبیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع‌نگاران است، به چاپ برسانم.» (دانشگاه انقلاب، ص ۷۷).

از دیگر تلاشهای علمی اش پژوهشهای منفرد اوست که بیشتر در زمینه‌های منطق، فلسفه، کلام و بررسی آراء و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است. این پژوهشها در

در منطق: تبصرة ساوی و رسائل متعددی از عده‌ای از دانشمندان پیشین؛ گرانتر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات از فارابی است. در علوم و فنون: رسائلی از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، کتاب الاسرار و السراسرار از محمد بن زکریای رازی، تجارب شهریاری، یواقیت العلوم و دراری النجوم، نوادرالتبادر لتحفة البهادر (با همکاری آقای ایرج افشار).

در پزشکی: مفاتیح الطلب و دو بخش ذخیره خوارزمشاهی

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه. آثار درویش محمد طوسی (با همکاری آقای ایرج افشار)، مناقب الصوفیه.

در اخلاق و سیاست: اخلاق محتشمی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری و تحفه

در تاریخ: بخشهای اسماعیلیه جامع التواریخ و زبدة التواریخ، مکاتیب رشیدالدین فضل‌الله همدانی تاریخ الوزراء قمی

حاصل تلاش استاد در عمر هشتاد و پنج ساله اش علاوه بر بیش از پنجاه تحقیق و تألیف و ترجمه قریب ۳۵۰ مقاله محققانه است که هر یک از این مقالات در نزد عاشقان علم و فرهنگ اسلامی - ایرانی دارای ارزش و اعتبار خاصی است.

این پیر عالم کتاب پس از عمری پژوهش و تحقیق در ۳۰ آذر ۱۳۷۵ جان به جان آفرین تسلیم کرد و به ابدیت پیوست.

گنجی چنین نهفته به زیر زمین دریغ!

* آقای ایرج افشار، تصویر افراد را در عکس مربوط به اعضای هیات تحریریه مجله جلوه‌شناسی کرده و به مجله معرفی فرمودند که از ایشان کمال سپاسگزاری را داریم.

شناساندن کارهای ارسطو، فارابی، ابن سینا، ابن کمونه، ابن رشد، ابن میمون، غزالی، ناصرخسرو، خواجه نصیر، بابا افضل کاشانی، ملاصدرا، ملا محسن فیض و سی چهل دانشمند دیگر از این زمره بی‌تأثیر نبوده است.

وی گفتارهای معتبری در این زمینه‌ها دارد که در مقالات و تحقیقات خاورشناسان استناد بدانها شده است و می‌شود و برای ایران مایه مباهات است.

دانش پژوه آثار فراوانی اعم از تصحیح و ترجمه و تألیف از خود به یادگار گذاشته که برخی از آنها عبارتند از:

در معارف اسلامی: «فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت» ترجمه النکت الاعتقادیه از شیخ مفید، معتقد الامامیه، کسر اصنام الجاهلیه از صدرالدین شیرازی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی از شیخ طوسی، ترجمه مختصر نافع از محقق حلی، بحر الفوائد، النجاة از ابن سینا، شرح فارسی شهاب الاخبار، جام جهان‌نما یا ترجمه التحصیل بهمینار (با همکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی)